گپ

تجاوز جنسی و راه پرپیچ وخم اثبات

■ بسیاری از قربانیان تجاوز جنسی، با در نظر گرفتن پیامدهای خانوادگی، اجتماعی و حتی قضایی موضوع ترجیح می‌دهند تا به پیگیری نپردازند و آن را به صورت رازی سر به مهر در نهان خانه دل نگه دارند و حتی با نزدیکان خود نیز در میان نگذارند. اما برای قربانیانی که بخواهند سکوت را بشکنند و اقدام به خودکشی کنند، چندین راه در قانون برای اثبات تجاوز پیش‌بینی شده که شامل چهار بار اقرار متهم، شهادت چهار مرد عادل و در نهایت علم قاضی است. تجربه ثابت کرده است، افراد متجاوز حاضر به اقرار نیستند و اتهام وارده را منکر می‌شوند. تعدادی هم که در بازجویی‌ها و جلسات اولیه دادرسی اقرار می‌کنند، در فرآیند قضایی یاد می‌گیرند که باید انکار کنند، چون نتیجه چنین اقراری، چیزی جز اعدام نیست. راه بعدی، شهادت چهار مرد عادل است که خود طنز تلخی است. راه آخر عبارت است از علم قاضی که یکی از موارد آن گزارش پزشکی قانونی است. شاید در میان گزینه‌های موجود، بهترین راه اثبات جرم از سوی قربانی مراجعه به پزشکی قانونی باشد، اما با توجه به اینکه آثار این نوع جنایت سریع و آسان پاک می‌شود، افراد باید بدانند که اگر مورد تجاوز قرار گرفتند، چه مراحلی را باید طی کنند تا شاید به نتیجه برسند. در این‌باره با دکتر آسیه جعفری، پزشک معاینه مرکز پزشکی قانونی گفت‌وگویی انجام شد که حاوی نکات مهم و قابل توجهی است.

■■■

◄ خانم دکتر جعفری از نظر قانونی، تفاوت میان آزار جنسی و تجاوز جنسی چیست؟

در قانون، موردی تحت عنوان تجاوز جنسی وجود ندارد، بلکه از دو واژه با عنوان «هتک ناموس» و دیگری «هتک عفت» یاد شده است. اگر عمل جنسی در حدی باشد که فقط موجب تهییج جنسی شود، هتک عفت نامیده می‌شود، اما اگر بیش از این باشد هتک ناموس است.

◄ با توجه به تفاوت هتک عفت و هتک ناموس، آنچه در اصطلاح عام تجاوز جنسی نامیده می‌شود، چگونه مورد تایید پزشکی قانونی قرار می‌گیرد؟

متاسفانه همواره آزارهایی رخ می‌دهد که فرد آزار دیده راهی برای اثبات آن ندارد، بر این اساس موارد بسیاری از آزارهای جنسی قابل اثبات نیست. اما در مواردی که فرد تحت عنوان تجاوز جنسی یا آزار جنسی به پزشکی قانونی مراجعه می‌کند، مورد معاینه قرار می‌گیرد که بسته به نوع درخواست سیستم قضایی و شرح حالی که فرد می‌دهد، نمونه‌گیری از او انجام می‌شود. اما متاسفانه بسیاری از افراد نمی‌دانند در چنین شرایطی باید شکایت خود را به کجا ببرد، به همین دلیل ممکن است چند روز معطل شوند و با تاخیر به پزشکی قانونی مراجعه کنند، در حالی که آثار جرم پاک شده است و راهی برای اثبات وجود ندارد.

◄ چه معاینه‌هایی روی قربانیان تجاوز در پزشکی قانونی انجام می‌شود؟

نوع معاینه با توجه به شکل و شدت تجاوز متفاوت است. از آنجا که آثار این جرم خیلی زود از بین می‌رود، بهتر است که افراد بلافاصله برای پیگیری موضوع اقدام کنند، اما در مواردی تا سه روز و گاه تا پنج روز می‌توان نمونه‌گیری انجام داد، اما ترجیحا تا ۷۲ ساعت فرد باید به پزشکی قانونی ارجاع داده شود. بنابراین اگر سیستم قضایی طوری عمل کند که فرد به محض اینکه شکایت کرد به پزشکی قانونی ارجاع داده شود، حق قربانیان کم‌تر ضایع می‌شود.

◄ آیا علاوه بر معاینه، موارد دیگری نیز برای اثبات جرم در پزشکی قانونی مورد بررسی قرار می‌گیرد؟

البته آلوده نیز می‌تواند به عنوان یکی از مدارک مورد استفاده قرار گیرد و به آزمایشگاه سازمان پزشکی قانونی ارسال شود، اما بار اثبات نمونه‌ای که از داخل واژن یا مقعد گرفته می‌شود، بیشتر است. چون ممکن است لباس متعلق به کس دیگری باشد، در این صورت شاکی باید نخست اثبات کند این لباس مال خود اوست.

◄ با توجه به اهمیت زمان در اثبات تجاوز، آیا سیستم قضایی نباید به موارد تجاوز به صورت ویژه رسیدگی کند؟

پزشکی قانونی در استان تهران به صورت ۲۴ساعته کشیک دارد، این موضوعی است که بسیاری از ضابطان قضایی به آن واقف هستند، اما متاسفانه فرد شاکی را با تاخیر به پزشکی قانونی ارجاع می‌دهند، مثلا اگر تجاوز در شب اتفاق افتاده باشد از او می‌خواهند فردا صبح مراجعه کند، در صورتی که مورد تجاوز جنسی تنها مورد اورژانسی است که در پزشکی قانونی باید به آن رسیدگی شود. در مورد شکایت‌های دیگر مثل نزاع یا تصادف، فردای وقوع حادثه نیز امکان رسیدگی وجود دارد، اما در این مورد خاص چون نمونه‌گیری از اهمیت بسیار برخوردار است تا فرد آزار دیده بتواند ادعای خود را اثبات کند، مقوله زمان از اهمیت بسیاری برخوردار است. متاسفانه بسیاری از افراد حتی ضابطان قضایی از اهمیت زمان در این‌باره اطلاع ندارند. مهم‌تر از اثبات جرم، موضوع جلوگیری از بارداری است. اگر خانمی با تاخیر به پزشکی قانونی مراجعه کند، راهی برای جلوگیری از بارداری ناشی از تجاوز وجود نخواهد داشت، اما اگر فرد در پنج روز اول و ترجیحا در ۲۴ساعت اول مراجعه کند، با بهره‌گیری از روش‌های پزشکی، ۹۹ درصد احتمال بارداری ناشی از تجاوز کاهش می‌یابد. متاسفانه وقتی خانم‌ها مورد تجاوز قرار می‌گیرند، اولین اقدام این است که خود را می‌شویند، این روش برای کاهش احتمال بارداری مناسب است، اما با این کار در واقع آثار جرم را هم از بین می‌برند، بنابراین سیستم باید به گونه‌ای باشد که به شکایت این افراد پیش از هر اقدامی، به صورت ویژه و در اسرع وقت رسیدگی شود.

قربانیان تجاوز، نیازمندبازسازی روانی هستند

دوراهی سکوت یا رسوایی

فریده عباسی

عکس: شرق

می‌خواهد از همسرش جدا شود یا بهتر است گفته شود، شوهرش دیگر حاضر نیست با او زندگی کند. شوهرش می‌گوید، با زنی که افسرده و عصبی است و از او تمکین نمی‌کند، نمی‌تواند زندگی کند. اما زن نمی‌خواهد زندگی‌اش را از دست بدهد. می‌گوید ترجیح می‌دهد، اگر شوهرش او را طلاق می‌دهد، فکر کند او فقط افسرده و عصبی است تا اینکه بفهمد او بعد از اینکه مورد تجاوز قرار گرفت، اینچنین شد.

پنج سال پیش بود که او از سوی برادر شوهرش مورد تجاوز قرار گرفت، اما این راز را در خود نگه داشت، چون می‌دانست اگر شوهرش از موضوع باخبر شود، هم او را خواهد کشت، هم برادرش را.

اما حالا هم که از صفحه زندگی شوهرش پاک می‌شود، ترجیح می‌دهد بدون هیچ رسوایی این اتفاق بیفتد!

این داستان تلخ...

این داستان، تلخ است. این داستان تلخ، هر روز تکرار می‌شود. تکرار این داستان تلخ برای بسیاری از زنان و دختران کابوس است. کابوسی که هر روز شکل تازه‌ای از آن را در صفحات حوادث روزنامه‌ها می‌بینیم. کابوسی که ممکن است روزی برای هریک از ما تعبیر شود. مورد تجاوز قرار گرفتن، رسوایی بزرگی است که زندگی آنان را تباه می‌کند و پدر، شوهر، خانواده، جامعه و حتی قانون ممکن است نتواند از آنان حمایت کند. این کابوسی است که اگر زمانی با وحشت از خیال آن برخیزند از به واقعیت پیوستن آن تا پایان عمر در هراس خواهند بود. اغلب یک راه‌حل باقی می‌ماند؛ سکوت. سکوتی تلخ و فرساینده، اما انگار چاره فقط همین است.

به گفته دکتر سیدمهدی صابری، روان‌پزشک و عضو هیات‌علمی مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، تجاوز جنسی مساله‌ای است که به فرد، طبقه اجتماعی یا شرایط خاصی محدود نمی‌شود و همه دختران و زنان در همه جوامع ممکن است در معرض چنین آسیبی قرار گیرند. حتی در جوامعی که آزادی‌های جنسی نیز وجود دارد، تجاوز جنسی اتفاق می‌افتد، اما تفاوت اینجاست که در جوامعی که فشارهای اجتماعی بالاست، درصد قابل توجهی از تجاوزها و آزارهای جنسی در درون خانواده و توسط آشنایان صورت می‌گیرد. یعنی زن یا دختر از سوی فرد یا افرادی که مورد اعتماد خانواده هستند و به درون خانواده رفت‌وآمد می‌کنند، مورد تجاوز قرار می‌گیرند. وی درباره ماهیت تجاوزهای جنسی در ایران می‌گوید: متاسفانه در جامعه ایران به نظر می‌رسد، آمار تجاوزها و آزارهای جنسی در خانواده‌ها و از سوی نزدیکان بیشتر است. البته آمار این واقعه در هیچ کشوری نمی‌تواند دقیق باشد، چون بسیاری از زنان و دخترانی که با چنین مشکلی مواجه می‌شوند، بنا به ملاحظاتی برای پیگیری آن اقدام‌نمی‌کنند.

دکتر صابری درباره دلایل پیگیری نکردن قضایی این موضوع از سوی قربانیان می‌گوید: بسیاری از این افراد، به دلیل ترس از رسوا شدن، نگرانی از برخوردهای قهرآمیز، ترس از مقصر شناخته شدن یا نگرانی از تهدیدهای فرد متجاوز، موضوع را مطرح نمی‌کنند و احتمال چنین رفتاری در جوامعی که محدودیت بیشتری وجود دارد، به مراتب بیشتر است. این روان‌پزشک ادامه می‌دهد: بسیاری از روان‌شناسان و روان‌پزشکان در خلال جلساتی که با برخی بیماران زن و دختر دارند، به طور ضمنی متوجه می‌شوند که بسیاری از اختلالات روانی آنان ریشه در این اتفاقات دارد و فرد به دلایل گفته‌شده، این موضوع را با کسی در میان نگذاشته است و این آسیب به صورت یک اختلال روانی در فرد آشکار می‌شود.

قربانیان و اختلالات روانی دیرپا

وقتی یک زن قربانی تجاوز می‌شود، در واقع قربانی جنسیت خود است و به دلیل اینکه مطمئن است از سوی جامعه حمایتی از او نمی‌شود، گاه موضوع را اصلا مطرح نمی‌کند، اگر در خانواده مطرح کند به احتمال زیاد محکوم می‌شود. جامعه و قانون نیز احتمالا از او حمایتی همه‌جانبه نخواهد کرد. با چنین پیش‌بینی‌ای بسیاری از این زنان، ترجیح می‌دهند در خلوت درون‌گرای خود موضوع را پنهان کنند، اما بدون شک پیامدهای آن روی فرد باقی خواهد ماند و به اطرافیان و خانواده او تسری خواهد یافت، در حالی که ممکن است، پدر، همسر، فرزندان و خانواده آن زن متوجه نشوند که ریشه بسیاری از مشکلات او چیست؟

دکتر صابری درباره پیامدهای روانی تجاوز جنسی در قربانیان می‌گوید: مواردی از این آزارهای جنسی منجر به اختلالی به نام «استرس پس از حادثه» می‌شود که نوعی اختلال روانی دیرپا و مزمن است. این اختلال زمانی بروز می‌کند که ضربه و آسیب روانی جدی به فرد وارد شود، به طوری که قربانی خود را در معرض خطر جدی جانی مشاهده می‌کند، اما پس از آنکه از آن حادثه جان سالم به درد می‌برد، دچار چنین اختلالی می‌شود.

عضو هیات‌علمی مرکز تحقیقات پزشکی قانونی هم چنین توضیح می‌دهد: این افراد دچار اضطراب دایمی نیز می‌شوند و همیشه تصور می‌کنند که حادثه‌ای مشابه برای آنان در آینده نزدیک اتفاق خواهد افتاد. افرادی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، از یادآوری آن حادثه و هر موضوع یا فردی که موجب یادآوری آن شود، گریزان هستند. درنتیجه خود را حتی از کسانی که دوست‌شان دارند، دور می‌کنند.

به گفته دکتر صابری، این افراد معمولا دچار افسردگی‌های واکنشی و اضطراب‌های شدید می‌شوند و همواره نگران و غمگین هستند و از روابط اجتماعی کناره‌گیری می‌کنند. ترس‌های مرضی- فوبیا- از دیگر علایم موجود در این افراد است که موجب می‌شود، فرد از موقعیت‌های طبیعی هم فرار کند، طوری که مثلا وقتی زنی مورد تجاوز قرار می‌گیرد، حتی از برقراری ارتباط جنسی با همسر خود امتناع می‌کند.

این روان‌پزشک درباره سایر اختلالات در قربانیان تجاوز توضیح می‌دهد: بروز اختلالات شخصیتی، به ویژه اگر فرد در سنین کودکی و نوجوانی مورد تجاوز قرار گیرد، در این افراد جدی است. اختلال شخصیت مرزی، اختلال مهمی است که فرد را مستعد می‌کند در بزرگسالی اقدام به خودزنی و خودآسیبی کند و روابط پرتنش و پرآسیبی را با دیگران داشته باشد.

وی می‌افزاید: این افراد به‌شدت تحریک‌پذیر و آسیب‌پذیر هستند و نمی‌توانند روابط پایداری با دیگران برقرار کنند. گاه نیز احساس پوچی در این افراد چنان شدت می‌یابد که ممکن است بر اثر آن دست به خودکشی بزنند.

متجاوز، جانی یا قربانی؟

افرادی که مورد آسیب و آزار جنسی قرار می‌گیرند، خود «قربانی» هستند، چون بدون رضایت، مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند، مانند زلزله یا هر حادثه ناخواسته دیگری که زندگی فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و سرنوشت او را برای همیشه تغییر می‌دهد، اما متاسفانه در جامعه‌ای مانند ایران بیشتر نگاه‌ها به این سو معطوف می‌شود که خود فرد تحریک‌کننده و مساله‌دار بوده است. چنین برداشتی به معنی آن است که فرد از دایره قربانی بودن خارج و مقصر شناخته می‌شود، در این صورت او دچار احساس گناه می‌شود و همین موضوع به آسیب‌های روانی او دامن می‌زند. اما موضوع متجاوزان به عنف نیز بسیار قابل توجه است، عاملان به این جنایت چه افرادی هستند؟ آیا هر مردی با قرار گرفتن در شرایطی خاص می‌تواند تبدیل به یک متجاوز به عنف شود یا نه، این افراد دارای ویژگی‌های روانی خاصی هستند که آنان را برای ارتکاب به چنین جنایتی مستعد می‌کند؟

> **افرادی که مورد تجاوز و آزار جنسی قرار می‌گیرند، معمولا دچار افسردگی‌های واکنشی و اضطراب‌های شدید می‌شوند و همواره نگران و غمگین هستند و از روابط اجتماعی کناره‌گیری می‌کنند. ترس‌های مرضی- فوبیا- از دیگر علایم موجود در این افراد است**

دکتر صابری، روان‌پزشک و عضو هیات‌علمی مرکز تحقیقات پزشکی قانونی درباره ویژگی‌های روانی افرادی که اقدام به تجاوز می‌کنند، می‌گوید: این افراد معمولا دارای اختلالات روانی و شخصیتی هستند و در زندگی با محدودیت‌های جنسی مواجه و به عبارتی دچار نارضایتی‌های جنسی‌اند. افراد متجاوز ممکن است، حتی از ارتباط با فردی که به صورت قانونی با او رابطه دارند، رضایت نداشته باشند؛ این نارضایتی موجب می‌شود که این افراد تصمیم بگیرند، تمایلات سرکوب شده خود را با تجاوز به افراد بی‌گناه، پاسخ دهند.

وی با اشاره به وجود اختلال ضداجتماعی روان‌پریشی بیشتر متجاوزان به عنف می‌گوید: عواملی زمینه‌ساز بروز چنین اختلالاتی در فرد می‌شود، مثلا در خانواده‌های تک‌والد یا خانواده‌هایی که ثبات ندارند یا روابط میان افراد در آن سرد است و افراد نمی‌توانند ارتباط درستی با یکدیگر برقرار کنند، زمینه شکل‌گیری این اختلال در افراد بیشتر است. در خانواده‌هایی هم که اعتیاد و افسردگی وجود دارد، احتمال ابتلا به اختلالات روانی مشابه و تجاوز، به ویژه به محارم افزایش می‌یابد. دکتر صابری می‌افزاید: ازدواج مجدد والدین، چه زن و چه مرد که منجر به رفت‌وآمد افراد جدیدی به خانواده می‌شود، نیز ممکن است در بروز این اتفاق موثر باشد. درواقع اگر در حال حاضر آماری هم از میزان تجاوز جنسی در جامعه وجود داشته باشد، همچون کوه یخی است که تنها قله آن از آب پیداست و قسمت عمده آن در لایه‌های پنهان جامعه در حال رخ دادن است، این آمار تنها بخش کوچکی از واقعیت است. به عنوان مثال ممکن است در طول یک ماه فقط ۱۰ تا ۱۵ نفر تحت عنوان تجاوز جنسی به پزشکی قانونی مراجعه کنند، اما آمار واقعی شامل تجاوز جنسی یا آزار جنسی که حتی شامل حال کودکان نیز می‌شود و بیشتر در خانواده‌ها اتفاق می‌افتد، بسیار بیش از اینهاست.

این خطوط مسدود است!

اگر دزدی به خانه شما حمله کند، شما خیلی سریع با پلیس تماس می‌گیرید، شکایت می‌کنید و خواستار پیگیری ماجرا می‌شوید، در اینکه جرمی اتفاق افتاده است، شکی نیست، اما اگر کودک یا زنی مورد تجاوز قرار بگیرد، نه تنها جسم او بلکه روح او دچار آسیب‌هایی شده است که تا ابد قابل ترمیم نیست.

اما آیا افرادی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند و جسم و جان‌شان به یغما می‌رود، می‌توانند به‌راحتی شکایت کنند؟ اصلا چگونه می‌توانند ثابت کنند که آنچه اتفاق افتاده، برخلاف میل آنان و با زور یا تهدید انجام شده است؟ و در ضمن با شرم و ننگ اجتماعی چه خواهند کرد؟ تجاوز، جرمی است که اگر قربانی آن اعاده حیثیت کند، نه‌تنها ممکن است مورد سرزنش قرار گیرد، بلکه نخست باید بی‌گناهی خود را ثابت کند! باور عمومی، اگرچه نادرست، این است که قربانی به نوعی خود محرک تجاوزگر بوده است و به گونه‌ای هم‌دست مجرم شناخته می‌شود و حتی اگر مسوولیت جرم به گردن تجاوزگر افتد، شرم آن بر گردن زن یا کودکی است که مورد تجاوز قرار گرفته است.

دکتر صابری درباره شیوه حمایت از قربانیان تجاوز می‌گوید: در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، خطوط تلفنی ویژه‌ای برای تجاوز و آزارهای جنسی در نظر گرفته شده است تا اگر فردی مورد تجاوز قرار گرفت، بتواند با مراکزی که برای این مورد پیش‌بینی شده است ارتباط برقرار کند و حتی اگر بخواهد مسایل خود را به صورت ناشناس مطرح کند، من فکر می‌کنم چنین خط ویژه‌ای در ایران نیز باید راه‌اندازی شود تا قربانیان تجاوز بتوانند به راحتی با آنها تماس بگیرند و حتی به صورت ناشناس مسایل خود را در میان بگذارند و از خدمات مشاوره بهره بگیرند. این موضوع علاوه بر کاهش فشار روی این افراد کمک می‌کند تا آمار واقعی‌تری از قربانیان تجاوز و آزار جنسی در کشور به دست آید.

عوامل افزایش آمار تجاوز جنسی

عوامل زمینه‌ساز در افزایش آمار تجاوز جنسی در یک جامعه چیست؟ در بروز این پدیده آیا فقط زنان مقصرند یا مردان نیز مانند زنان، قربانی شرایط اجتماعی اقتصادی و فرهنگی جامعه هستند؟ نقش دستگاه قضایی و امنیتی در کاهش آمار این پدیده ناهنجار اجتماعی چیست؟ اینها سوالاتی است که با دکتر عالیه شکربیگی، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس به تحلیل و بررسی آنها پرداختیم.

به گفته این استاد دانشگاه، تجاوز جنسی پدیده‌ای است که از گذشته تاکنون در همه جوامع وجود داشته است و از این پس هم اتفاق خواهد افتاد، اما در بعضی جوامع، عواملی چون فقر اقتصادی، از هم گسیختگی اجتماعی، بحران‌های اجتماعی و نبود اعتماد و همدلی، ناامنی را در جامعه افزایش می‌دهد و در چنین شرایطی افراد به واکنش‌ها، حرکات و رفتارهای نامطلوب اجتماعی دست می‌زنند که یکی از آنها تجاوز جنسی است.

این استاد دانشگاه پیش از پرداختن به مبحث اصلی تاکید می‌کند: برای تحلیل هر پدیده اجتماعی فقط یک عامل اثرگذار نیست. به همین دلیل در بررسی‌ها باید مجموع عوامل اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی را مورد بررسی قرار داد. متاسفانه در تحلیل بسیاری از پدیده‌ها و ناهنجاری‌ها در جامعه ایران، فقط به یک یا دو عامل تاکید می‌شود، مثلا در ارتباط با موضوع تجاوز جنسی فقط برنامه‌های ماهواره‌ای یا پوشش زنان مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالی که هر پدیده اجتماعی، تحت تاثیر عوامل گوناگونی شکل می‌گیرد. به طور کلی بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناختی در یک جامعه سالم، انسان برای رسیدن به اهداف خود از یک‌سری ابزارهای خاص بهره می‌گیرد، اما اگر ابزارهای لازم برای رسیدن به اهداف از طریق درست وجود نداشته بود، در جامعه بحران به وجود می‌آید.

این جامعه‌شناس در ادامه به نظریه «متغیرهای الگویی پارسونز» اشاره می‌کند و می‌گوید: بر اساس این دیدگاه، رفتارهای افراد در ارتباط با جامعه، خانواده، نظام آموزشی و رسانه‌ها شکل می‌گیرد و آنان رفتار خود را در این متغیرهای الگویی تعریف می‌کنند. این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه نظم اجتماعی، فقط نظم در عین نیست و نظم در ذهن جامعه است، می‌گوید: در واقع گسترش پدیده‌هایی مانند تجاوز جنسی ناشی از بی‌نظمی در ذهن انسان‌هاست. معتقدیم جامعه زمانی می‌تواند سالم باشد که خانواده سالم داشته باشد. با توجه به شرایط خانواده‌های ایرانی و گسترش تفردگرایی می‌توان گفت شاهد بحران در ارتباط با نهاد خانواده هستیم که در دل آن پدیده‌ای چون تجاوز به ویژه تجاوز به محارم اتفاق می‌افتد، اما چون این اتفاق در بستری از محرمیت اتفاق می‌افتد، متاسفانه گزارشی درباره آن ارایه نمی‌شود.

تاثیر سریال‌های ماهواره

دکتر شکربیگی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در بررسی عوامل بروز تجاوز جنسی در حالی که مهم‌ترین عامل را عامل روانی می‌داند، می‌گوید: زمانی که در یک جامعه به اندازه کافی آزادی وجود داشته باشد، امکان بروز بسیاری از رفتارها در سطح جامعه امکان‌پذیر می‌شود، اما وقتی در یک جامعه محدودیت افزایش می‌یابد، فشارهای ناشی از آن موجب می‌شود، افراد به محیط‌های خلوت رو آورند و به خود اجازه دهند به دور از چشم جامعه، هر رفتاری را از خود نشان دهند. بر اثر محدودیت‌های اجتماعی، فشار غریزه جنسی شدت می‌یابد.

وی می‌افزاید: ساختار جامعه ایران مردسالار است و پیامد آن عرف‌های حقوقی و اجتماعی تبعیض‌آمیزی است که موجب شکل‌گیری ذهنیت‌های استبدادی در مردان نسبت به زنان می‌شود. برخوردهای تبعیض‌آمیز، باورهای کلیشه‌ای را در جامعه بازتولید می‌کند و خانواده چون از دسترس فشارهای اجتماعی به دور است، به جای آنکه مامنی برای افراد باشد، ناهنجاری‌هایی چون تجاوز به درون آن رخنه می‌کند. وی در حالی که در بروز پدیده‌هایی چون تجاوز جنسی، برنامه‌های ماهواره‌ای را هم موثر می‌داند، توضیح می‌دهد: امروزه ماهواره به خلوت خانواده‌ها، زنان و مردان نفوذ پیدا کرده و شکل‌دهنده بسیاری از رفتارهاست. آمارها نشان می‌دهد ۸۵درصد خانواده‌های ایرانی در نبود برنامه‌های جذاب رسانه ملی، سریال‌های ماهواره‌ای را تماشا می‌کنند؛ سریال‌هایی که در آنها روابط آزاد و خیانت به راحتی به تصویر کشیده و تکرار می‌شود. به عبارتی این موضوع‌ها به صورت مرتب مخاطبان را در معرض بمباران قرار می‌دهد. اگر تا همین چند سال پیش برقراری ارتباط با جنس مخالف در جامعه ما برای دختران و پسران تابو بود، اما الان گروهی از جوانان فراتر از رابطه دوستی با جنس مخالف، تحت تاثیر این برنامه‌ها به رابطه آزاد جنسی رو آورده‌اند.

دکتر شکربیگی عوامل اقتصادی را نیز در بروز بسیاری از بحران‌های اجتماعی موثر می‌داند و می‌گوید: تنگناهای اقتصادی موجب شده است که آمار ازدواج با در نظر گرفتن جمعیت جوان آن رو به کاهش رود، این موضوع جوانان را تحت فشار قرار می‌دهد، واقعیت آن است که اگر امکان ازدواج در جامعه فراهم باشد، بسیاری از جوانان ترجیح می‌دهند نیازهای خود را در درون خانواده پاسخ دهند.

وی می‌افزاید: جدا از تجاوز جنسی که بی‌رحمانه‌ترین شکل تامین نیازهای جنسی است، ارضای این نیاز از طریق رابطه نامشروع و با توافق دو طرف در لایه‌های پنهان جامعه در حال گسترش است که زنگ خطری جدی تلقی می‌شود.

متاسفانه شرایط جامعه به‌گونه‌ای است که زمینه بروز برخی ناهنجاری‌ها وجود دارد.

پیامدهای علنی شدن اخبار تجاوز

دکتر شکربیگی درباره پیامدهای علنی شدن برخی حوادث مثل حادثه تجاوز دسته جمعی در خمینی‌شهر توضیح می‌دهد: مطرح شدن موضوع تجاوزهای جنسی به دور از اغراض سیاسی، می‌تواند مفید باشد، به شرط آنکه دستگاه قضایی با عملکرد دقیق و به موقع خود بتواند پاسخگوی افکار عمومی باشد، در غیر این صورت طرح این مسایل در جامعه علاوه بر تشدید احساس ناامنی در جامعه موجب جری شدن افرادی می‌شود که پتانسیل بروز چنین ناهنجاری‌ها را در خود دارند. اگر دستگاه قضایی و مسوولان، متجاوزان را در آن حدی که لازم است مجازات نکنند، سودجویانی نیز پیدا می‌شوند که با مشاهده عدم اقتدار دستگاه قضایی به خود اجازه می‌دهند به ناامنی در جامعه دامن بزنند که این خود موجب رشد و پرورش اوباشی‌گری در جامعه می‌شود. دکتر صابری روان‌پزشک و عضو هیات علمی مرکز پزشکی قانونی نیز معتقد است: اطلاع‌رسانی درباره فجایع و حوادثی نظیر تجاوزهای جنسی در جامعه به شکلی که این روزها در رسانه‌های ایران انجام می‌شود، برخلاف تصور، پیامدهای مطلوبی به دنبال نخواهد داشت. چرا که این اطلاع‌رسانی بدون برخورد سریع قضایی موجب دامن زدن به این جنایت‌ها می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد، اطلاع‌رسانی‌های نادرست و ناقص به جای آنکه موجب پیشگیری از موارد مشابه شود، موجب می‌شود که برخی افراد که به دنبال مقاصد مجرمانه هستند و تا آن زمان جرأت انجام آن را نداشتند با دیدن تعلل و ضعف در رسیدگی به موقع و کامل و صحیح به جرایم به ارتکاب جرم تشویق شوند. به همین دلیل توصیه می‌شود انعکاس این اخبار باید با برخوردهای قهرآمیز تنبیه‌گرایانه سریع همراه باشد و تا زمانی که آثار جنایت از جامعه پاک نشده است، آثار تنبیهی قابل مشاهده باشد. اما متاسفانه دیده شده است که پیگیری‌های قضایی آنقدر طول می‌کشد که جامعه حساسیت خود را نسبت به موضوع از دست می‌دهد یا حتی افکار عمومی آن فراموش می‌کند، به همین دلیل مجازات این افراد تاثیری که لازم است را در جامعه نمی‌گذارد.

نگاه کارشناسی

خلأ قانون یا خلأ رسیدگی

■ یکی از عوامل تشدید تجاوز جنسی در یک جامعه، امتناع قربانیان از گزارش واقعه است. از آنجا که در چنین حوادثی، نگرش بدبینانه‌ای نسبت به زنان ایجاد می‌شود، بسیاری از آنان از بازگویی واقعه خودداری می‌کنند، اما لازم است جامعه به این سو پیش رود که زنان هر نوع تجاوز جنسی (از سوی بیگانه یا خویشاوندان) را گزارش دهند. در این صورت آمارهای دقیقی از تعداد قربانیان و متجاوزان به دست می‌آید و ظرفیت‌های لازم اجتماعی، فرهنگی و قانونی برای مقابله با این‌گونه جنایت‌ها ایجاد می‌شود. یکی از ابعاد مهم موضوع تجاوز به عنف، بعد قانونی آن است.

نعمت احمدی، وکیل پایه یک دادگستری با تاکید بر اینکه در بسیاری موارد، خلأ قانونی وجود ندارد، بلکه مشکل خلأ رسیدگی یا خلأ احقاق حق است، درباره بحث تجاوز به عنف در قانون می‌گوید: با این موضوع سه مشکل در روند قانونی وجود دارد. نخست خود قانون است. برابر با ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی، تجاوز به عنف، جزو جرایمی است که مجازاتش اعدام است، در حالی که قانونگذار دیگر مصادیق تجاوز را تعریف نکرده است. بر این اساس فقط تجاوز به عنف، مستحق اعدام است و برای مصادیق آزار و اذیت تعریف و مجازات مستقلی در قانون وجود ندارد. به عبارتی قانون بین صفر و صد تقسیم شده است؛ یا جرم واقع شده، تجاوز به عنف است که مجازات آن اعدام است یا تجاوز پذیرفته نیست.

وی درباره مشکل دیگر می‌گوید: دومین مشکل، دادگاه‌هاست. به عنوان مثال در دادگاه‌هایی که برای رسیدگی به موضوع تجاوز به عنف برگزار می‌شود، اگر متهم به جرم تجاوز اقرار کند، باید اقرار خود را هم ثابت کند. در حالی که راه‌های اثبات زنا در دادگاه مشکل است و به سختی می‌توان ثابت کرد که تجاوز صورت گرفته است. به همین دلیل متاسفانه بیشتر پرونده‌های مربوط به تجاوز در دادگاه‌های کیفری استان بسته می‌شود.

این حقوقدان در حالی که قربانیان تجاوز را سومین مشکل در روال حقوقی موضوع تجاوز می‌داند، می‌گوید: مظنون علیه یا کسی که مورد تجاوز قرارگرفته است، از نظر جسمی و روانی آسیب دیده است، اگر موضوع را برملا کند، ممکن است در خانواده و جامعه با مشکل روبه‌رو شود، از سوی دیگر به عملکرد دادگستری هم مطمئن نیست. به همین دلیل فکر می‌کند اگر موضوع را اعلان کند و به نتیجه نرسد، از خانواده رانده و از جامعه مانده می‌شود. این استاد دانشگاه درباره روال قانونی رسیدگی به پرونده‌های تجاوز به عنف می‌گوید: شیوه رسیدگی به پرونده‌های تجاوز یا زنا با سایر پرونده‌ها متفاوت است. در این پرونده‌ها شاکی، شکایت خود را به دادسرا می‌دهد وبعد از انجام تحقیقات اولیه، پرونده به دادگاه کیفری استان فرستاده می‌شود. احمدی می‌افزاید: برابر تبصره ۳ تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، اصلاحیه ۸۱/۸/۲۷ به پرونده‌هایی که موضوع آنها جرایم مشمول زنا و لواط است، همچنین جرایمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس یا جزای نقدی تا یک‌میلیون ریال است، جرایم اطفال به طور مستقیم در دادگاه‌های مربوطه طرح می‌شود، مگر اینکه به تشخیص دادستان، تحقیقات درباره سایر جهات لازم باشد، یعنی این پرونده‌ها در دادسرا رسیدگی نمی‌شود و مستقیما به دادگاه کیفری استان فرستاده می‌شود، البته قانونگذار این اختیار را به دادستان داده است، در مواردی که برابر بند «و» ماده «ف» یعنی در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، مانند تجاوز، دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدامات لازم را برای حفظ و جمع‌آوری دلایل و آثار جرم به عمل آورد.

وی توضیح می‌دهد: فردی که مورد تجاوز قرار گرفته است، ابتدا برای شکایت به دادسرا مراجعه می‌کند، مرجوعه‌ای را برای ارایه به نیروی انتظامی و بیشتر اداره آگاهی دریافت می‌کند. در آنجا پرونده تشکیل و به شکایت شاکی رسیدگی می‌شود. دلایل جمع‌آوری و متهم بازداشت می‌شود و اگر بازداشت نباشد، دستورات مربوط به آن اخذ می‌شود و مستقیم بدون کیفرخواست به دادگاه کیفری استان می‌رود. این دادگاه هم با حضور پنج قاضی و در مواردی با حضور سه قاضی برگزار می‌شود. در شهر تهران پنج واحد پزشکی قانونی وجود دارد؛ واحد شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز. غیر از آن در استان تهران واحدهای شهر ری، ورامین، رباط کریم، شهریار و واحدهای دیگر نیز وجود دارند. بسیاری از این واحدها تحت پوشش کلانتری‌های خاصی هستند، اما در حال حاضر ارجاع موارد تجاوز جنسی بیشتر از طریق پلیس امنیت انجام می‌شود و به ندرت از طریق کلانتری‌ها به پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند. بسیاری از شهروندان به دلیل بی‌اطلاعی، ابتدا به کلانتری مراجعه می‌کنند، اما به آنان گفته می‌شود باید به دادسرای کیفری بروند از آنجا هم توصیه می‌شود باید از پایگاه‌های فاتب نامه بگیرند، اما چون اطلاع‌رسانی وجود ندارد، حتی پرسنل قضایی هم گاه نمی‌دانند در برخورد با چنین مواردی باید چه کنند، چون بعضی از واحدهای پزشکی قانونی تحت پوشش پایگاه‌های پلیس امنیت نیستند. به دلیل نبود یک سیستم واحد در مورد تجاوز جنسی نمی‌توان آمار دقیقی ارایه داد و متاسفانه آمار دقیقی وجود ندارد. تا یک‌ونیم سال پیش به دو مورد در پزشکی قانونی بدون دستور قضایی رسیدگی می‌شد؛ یکی صدور مجوز سقط جنین و دیگری معاینه‌های مربوط به پرده بکارت، ولی از یک سال‌ونیم پیش اعلام شد که بدون دستور قضایی، معاینه پرده بکارت انجام نمی‌شود، تجاوز هم در این گروه قرار می‌گیرد و بدون دستور قضایی، پزشکی قانونی نمی‌تواند اقدام به معاینه فرد درخواست‌کننده کند. متاسفانه بسیاری از افرادی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند به دلیل پیامدهای خانوادگی و اجتماعی موضوع و بی‌اطلاعی از مراحل قضایی از شکایت صرف نظر می‌کنند، اما پیامدهای آن تا پایان عمر